

توضیح: متن زیر مذاکرات بین دو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بخش مارکسیست شده سازمان مجاهدین خلق ایران است که از روی نوار های صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفتائی که در امر تبدیل گفتاری آن مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.  
سایت سیاهکل - دسامبر ۲۰۱۰

## (نوار شماره دو - قسمت چهارم)

حمید اشرف: ولی ما چون همگی با این مسئله برخورد داشتیم،

تقی شهرام: ما اگر اینطور باشه، خب، بهر حال ما، حق با شماست کاملاً یعنی انتقاد کاملاً وارده.

حمید اشرف: البته من این انتقاد رو

تقی شهرام: اصلاً انتقاد به شکل حتی خیلی بدش هم وارده، یعنی واقعاً حتی اگه آدم مذهبی متعادلی باشه نباید این کارو بکنه، این کاره غلطیه، به عنصر

حمید اشرف: بهر حال

تقی شهرام: خیلی

حمید اشرف: این اولین جایی بود که ما، یعنی ما نشانه های چیزش رو می دیدیم نشانه های به اصطلاح برخوردیهایی که دیگه آنچنان مثل اول صادقانه نیست.

تقی شهرام: نیست. بله

حمید اشرف: اینو می دیدیم، در اونجا به مقدار تظاهر بیرونی پیدا کرد

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: به این شکل که اینها فضیلت کلام اسمشون اومده بود که از مجاهدین خلق خدا، خلق، ویا راه خلق خدا اند. چون ما واسه مون مسئله این بود که ما دوتا، دوتا و نصفی آدمیم. کمونیست هم هستیم. از اول هم حرفی که

تقی شهرام: اینا میخوان ما رو بخورن

حمید اشرف: حرفی که، نه نمیخوان بخورن

تقی شهرام: نه واقعاً

حمید اشرف: بلکه اینها به اصطلاح در حقیقت

تقی شهرام: نه واقعاً، یعنی مستقیم بکنن قضیه رو

حمید اشرف: میخوان قضیه رو لوٹ بکنن، چون که ما لوٹ بشو نبودیم

تقی شهرام: خب نمی شد، از نظر تاریخی نمیشد، این قضیه

حمید اشرف: ولی چون این نیروهای کمونیستی که بودن، یعنی کمونیستها بقول استالین به مقدار هم راست راستی از سرشت ویژه اند

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: یعنی بهر حال زیر هر شرایطی خودشون رو بیرون می کشن

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: ولی خب این جریانات که همچنین دیده میشد از اون طرف خب یک زنگ خطری هم واسه ما بود که نیروهای خرده بورژوازی که الان، در، فعلاً موقتاً قدرت را بدست گرفته اند کوششهایی در این جهت در وجود، در به اصطلاح تمایلاتی در این جهت داره در وجودشون جوونه میزنه

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و این مسئله

تقی شهرام: خب بین اینجا

جواد قائدی: این جا من به چیزی بگم رفیق

حمید اشرف: بله

جواد قائدی: این حالا این مسئله اعظم حمیدی رو اعلامیه شو ما میرویم برخورد میکنیم ولی رفیق عزیز شما خودتون مثل این که اصلاً اعلامیه پاسگاه هاتونو فراموش کردین این وسط.

حمید اشرف: کاملاً من فراموش نکردم آنها را هم میگم

جواد قائدی: اون قبل از اینها بود رفیق

حمید اشرف: هان!

جواد قائدی: اون قبل از این بود که شما گفتین پاسگاه ها رو در رابطه با ما جمع کردن، در حالی که ما تو اعلامیه مون هم اسم شما رو آوردیم هم اسم خودمون رو، اون قبل از این جریانات بود، مگر اون عمل به وسیله خود رفیق سپهری انجام نشده بود، پاسگاه شاه، میدان شاه.

حمید اشرف: چرا

جواد قائدی: خیلی خب، پس این اعلامیه پاسگاه ها قبل از شهادت رفیق سپهری بود

حمید اشرف: والا در جریان اعلامیه پاسگاه ها ما برنامه مشترکی با سازمان مجاهدین نداشتیم

جواد قائدی: نه رفیق ما نگفتیم

حمید اشرف: حتی پاسگاه ها را ما منفجر کردیم.

جواد قائدی: نه.

حمید اشرف: اساساً

جواد قائدی: شما دوتا شما منفجر کردین دوتا هم ما. این حالا چطور شد که فقط در رابطه با شما جمع کردن.

تقی شهرام: خب ببینید این مسائل الان زیاده، ببینید، اینا را الان من فکر کنم بگذار اون رفیق صحبت اش را بکنه

حمید اشرف: از نظر من، نه رفیق

تقی شهرام: ببینین اصلاً طرحش ببینید اشکال نداره به عنوان تاریخ آدم واقعاً اپنا درس آموزه، یعنی خیلی خب، باید گفت واقعاً اشتباهاتی بوده، هیچ وقت ما در مقام دفاع از اشتباهات، اصلاً آدم احمقیه اگر کسی قبول بکنه که یعنی اصلاً بخواد در مقام دفاع یا قبول یا اصلاً رد قضیه بر بیاد، کاملاً اشتباهاتی که ما داشتیم در این زمینه قبوله

حمید اشرف: و تازه اولین

تقی شهرام: ولی به مسئله هست که

حمید اشرف: حالا ما آمدیم به فرض ما عملیاتی را چون عملیات پاسگاه ها عملیاتی نبود که مشترکاً طرح ریزی شده چون در رابطه با عملیات آمریکاییها که خب چون مشترکاً بود اعلامیه های ما هم مشخص بود. در رابطه با عملیات پاسگاهها سازمانها مستقلاً اون عملیات را کردند، و به ویژه اینکه عملیاتی که شد و اعلامش کردن که الان من یادم نیست، شاید حق با شما باشه، و در اینجا موضع تنگ نظرانه ای بوده که این طوری شده، و حتماً هم بوده لابد، من نمیدونم این پاسگاه ها همزمان هم منفجر شد ولی میدونم که ما یک برنامه ضربتی داشتیم که در عرض چند روز چند تا پاسگاه منفجر شد و بدنال این و چندتا بمب هم گذاشتیم که کشف کردن، و سروصدا بالا گرفت یعنی پنج- شش تا پاسگاه رو ما بمب گذاری کردیم که دو سه تاش عمل کرد یکی دوتاش هم کشف کردن و طرحهای مختلفی رو ما در این زمینه پیاده کردیم و خود همان رفیق فضیلت کلام هم مسئول این طرح ها بود که پیاده کرد و اعلامیه شو نوشتن و دادن بیرون و وضعیت پاسگاه ها هم خیلی سریع شروع کردن یعنی دونه دونه، یعنی هر کدوم زده میشد که ورمیداشتن و بعد هم تک و توک شروع کردن برداشتن و بعد هم عملیات شما مثل اینکه همزمان یا بعدش شاید صورت گرفت

جواد قائدی: رفیق این طوری نبوده رفیق، من فکر میکنم ببینید شما تو اون اعلامیه که نوشتین گفتین که رژیم شاه اومده در رابطه با انفجار پاسگاهها، پاسگاهها رو جمع کرده، اگه پاسگاه جمع شده بود ما چطور منفجرش میکردیم.

حمید اشرف: پاسگاه ها

جواد قائدی: جمع شدن در رابطه کاملاً با عمل هر دو تا سازمان بود. و شما هم اعلامیه تون هم اینقدر سریع در نیومد، یعنی به نمودهای مشخصی از جمع کردن بقیه پاسگاه ها دیده شده بود که شما اعلامیه را دادین و یه همچو حرفی را نوشتین، یعنی شما بدون سند که حرف نمی زدین، رو هوا که حرف نمی زدین رژیم پاسگاهها را جمع کرد، بله؟

حمید اشرف: به هر حال من در این زمینه الان دفاعی نمی کنم.

تقی شهرام: نه اصلاً بحثی نیست

حمید اشرف: تو حافظه ام نیستش مسئله

تقی شهرام: حالا اصلاً این مسئله

حمید اشرف: که به خواهم دفاع بکنم و می پذیرم

تقی شهرام: نه واقعاً این نقطه که اصلاً از کجا برای ما خیلی جالبه

حمید اشرف: ولیکن اینکه رفیق فضیلت کلام مجاهد راه خلق و خداست ، اون دیگه

تقی شهرام: این واقعاً باید گیرش کرد از کجا مسائل به این شکل دراومده

حمید اشرف: این از کجا در اومده؟

جواد قائدی: اینو باید ببینیم

حمید اشرف: حالا ببینیم این مسئله از کجا در اومده، اینو شما الان باید توجیه باشید که از کجا درآمده

تقی شهرام: همون ما هم اتفاقاً

حمید اشرف: چرا، چون اون مشی پی رو که رهبری مجاهدین در اون سالها داشت و یه مقدار در جهت قدرت طلبی و نمیدونم نفوذ بیشتر و تبلیغات پر سرو صدا

تقی شهرام: تبلیغات خیلی زیاد و

حمید اشرف: این انتقاداتی نمیدونم شما هم در رابطه با مجاهدین کردین از اون دوره

تقی شهرام: حتماً کردیم، شما یه چنین جریاناتی بعداً هم دیدین؟

حمید اشرف: هان؟

تقی شهرام: یعنی به شکل تبلیغات تو خالی و اون جریانات و اونها شما مشاهده کردین واقعاً، یعنی بعداً ادامه داشت، پیدا کردین مثلاً این جریانات

حمید اشرف: والا سیاست تبلیغاتی تعدیل شده بود ولی خب باز جنبه هایی از اونو در بر داشت و کما اینکه خوب جریانات هاوکینز و اینها هم باز همون بود دیگه. جریانات هاوکینز که

تقی شهرام: هاوکینز که قبل از

حمید اشرف: پنجاه و دو بود دیگه

تقی شهرام: پنجاه و دو قبل از کشته شدن رضا (نامفهوم...)

حمید اشرف: آره دیگه

تقی شهرام: بله، خب هاوکینز بود ولی میخوام بگم که بعداً جریانات تبلیغاتی ما واقعاً به چنین چیزی بود که احیاناً مثلاً

حمید اشرف: بعداً هم متأثر از اون جریانات بود ولی خب به اون شکل دیگه خیلی پر سر و صدا نبود

تقی شهرام: یعنی مثلاً اینا هیچکدوم زمینه ای نبود شما راجع به مسائل مجدداً فکر کنید ببینین اینا را برای این میخوام بگم که واقعاً روشن بشه ها، من نمیخوام حتماً اینجا حتماً اثبات بکنیم یک چیزی را

حمید اشرف: نه خب اینها هم زمینه هایی بود کما اینکه بعداً هم رفقا، ما یک چیز دیگه هم داریم به نشانه دیگه هم داریم، آن را هم میگم که مال بعد از جریان رضاست. چون زمان رضا اصلاً نشریه داخلی نبود.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و بعد از رضا نشریه داخلی تون درست شد

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: که اون جریان کشید یعنی اواخر سال پنجاه و یک بود که اون اعلامیه در اومد و مقارن همین احوال بود که رفقا شعاعیان را به ما معرفی کردند

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: و گفتند که این فرد هست و به گروه مارکسیستی دارن و

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و تمایل داره با شما ارتباط بگیره و که ما خب به جلساتی گذاشتیم و دیدیم و در همون رابطه با همون جلسه که شعاعیان هم توش بود مسئله جبهه اومدش بالا

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: طرح شد که البته شعاعیان هم روی مسئله به مقدار چیز میکرد دیگه، پافشاری میکرد و یک مقاله ای هم نوشت و

تقی شهرام: چون به منافعش بود دیگه

حمید اشرف: مقاله ای هم در این زمینه نوشت و

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و که پاسخ رفقا هم به اون، اون بود. ما در جلساتی که در رابطه با همون تشکیل جبهه داشتیم یک تمایل مشخص رو در رفقا کشف کردیم

تقی شهرام: اوهوم

حمید اشرف: و آن این هستش که رفقا جبهه را نمی خوان اساساً، و این جبهه واسه شون یک چیز مضربه فعلاً، چرا؟ بطور مشخص هم معلوم بود، چرا که فکر میکردن که عناصر مذهبی و عناصر به اصطلاح سنتی خرده بورژوازی که به

تقی شهرام: می آیند مارکسیست بشن

حمید اشرف: نه، به هیچ وجه ، نظرشون اون بود که اونها حمایت نمی کنن

تقی شهرام: یعنی اونا جبهه را حمایت نمی کنن

حمید اشرف: یعنی جبهه را تایید نمی کنن

تقی شهرام: نه احتمالاً این نبود، احتمالاً اون شق اول بوده، ببینین من، معذرت، برات درست تر برات بگم دیگه

حمید اشرف: چرا چون مسئله

تقی شهرام: نه، اگر بوده این بوده

حمید اشرف: چون در اون چیزی که رضا نوشت جزوه ای که رضا نوشت اون رو تئوریزه کرد، اصلاً خیلی جالب بود واسه ما، یعنی ما اونو همین طور دست بدست میگردانیدیم و میخواندیم و میگفتیم که ببینید تمایلات طبقاتی

تقی شهرام: چه جوری

حمید اشرف: اصلاً

تقی شهرام: باریک الله

حمید اشرف: چیز نداره

تقی شهرام: رد خورد نداره

حمید اشرف: رد خورد نداره، و نظر

تقی شهرام: یعنی تو نظر طرف منعکس میشه، باریک الله

حمید اشرف: نه اینکه منعکس میشه و وقتی که یعنی فشار طبقاتی چیزیه که هیچ عاطفه و روابط

تقی شهرام: این حرفها سرش نمیشه

حمید اشرف: اینها سرش نمیشه

تقی شهرام: حتماً منعکس میشه. یک طوری بله

حمید اشرف: این حاکم میشه، نه تنها منعکس میشه

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: این حاکم میشه در اونجا مسئله این بود، یعنی همون طرح مسئله پیش به اصطلاح ارتباط پیشتاز با پیشتاز و توده با توده . خیلی دیگه گویا بود دیگه یعنی بطور مشخص من نمی دونم خود رضا یا رفقا ئی که نوشتن تا چه حد شناخت داشتن نسبت به چیزی که نوشتن، ولی واقعاً

تقی شهرام: ما این نسخه را نداریم اینو، شماها دارین اینو؟

حمید اشرف: ما داریم اگه می خواید واسه تون میفرستیم

تقی شهرام: به تک نسخه برای ما بفرستید، چون ما اصلاً (نامفهوم...) . ما حتی دورادور شنیدیم که حدوداً چی ها بوده

حمید اشرف: چون در اونجا به شکل خیلی جالب و دقیقی مسئله را از دیدگاه طبقاتی مطرح میکرد

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و به این صورت که میگفتش که ما دو تا پیشتازیم

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: و مسئله برای ما مسئله اساسی وحدت پیشتاز با توده است

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: نه وحدت پیشتاز با پیشتاز

تقی شهرام: آها

حمید اشرف: و این توده ای که ازش صحبت میکرد

تقی شهرام: همه توده مردم بود که در واقع

حمید اشرف: توده، مردم نبود بلکه خرده بورژوازی سنتی بود. در حقیقت

تقی شهرام: در حقیقت ولی به حساب او فکر میکرد همه توده با او وحدت پیدا میکنه

حمید اشرف: او فکر میکرد همه توده با اون مربوط میشه، آره درسته کلاً جناح های خرده بورژوازی وقتی از توده حرف میزنن

تقی شهرام: منظور همه شون

حمید اشرف: توده خودشون را دارن میگن

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: ولی مشخص بود که رفقا انتخاب خودشونو کردن و این انتخاب رو در حقیقت تاریخ کرده، که پیشتاز خرده بورژوازی هم

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: به اصطلاح

تقی شهرام: بهش پاسخ داده

حمید اشرف: در خدمت طبقه خودش قرارمیگیره و در مقابل متحدین مارکسیست یا غیره مارکسیست و یا هر کس دیگه ای

تقی شهرام: بینم

حمید اشرف: از موضع اون طبقه برخورد میکنه

تقی شهرام: بینم، تو اون کاغذ تو اون نوشته مسئله جبهه رد شده بود نهایتاً دیگه بله؟

حمید شهرام: مسئله به شکلی که ما پیشنهاد کرده بودیم رد شده بود، شما گفتین بیان حتی نشریه مشترک داشته باشیم.

تقی شهرام: آها، من چون میدونی

حمید اشرف: ما پیشنهاد نشریه مشترک داده بودیم

تقی شهرام: آها

حمید اشرف: گفتیم بیایم جبهه و نشریه مشترک

تقی شهرام: صحیح

حمید اشرف: داشته باشیم، که البته شعاعیان هم مقاله ای نوشته بود در این رابطه که اونم نمیدونم خوندین یا نه

تقی شهرام: اونو خوندم

حمید اشرف: که اون خوب به مقدار شدیداً هم برای رفقا تحریک آمیز بود چون نوشته بود که یک جمله معروفی داشت که سازمان مجاهدین در معده شورش گوارده خواهد شد

تقی شهرام: (صدای خنده)

حمید اشرف: یعنی که به اصطلاح

تقی شهرام: آخه اونجا به چیزهای دیگه هم نوشته بود مثلاً کمونیستهای مسلمون ، مسلمونهای کمونیست

حمید اشرف: خب اون به تئوری داشت به این صورت که جریانات

تقی شهرام: از این چرت و پرتهای

حمید اشرف: جریان کمونیستی مجاهدین هم الان کمونیستن و این مسئله هم در معده شورش گوارده خواهد شد و این گوارده شدن در معده شورش خب خیلی چیز ناگواری بود در حقیقت، که بهر حال بازتابش اون بود ولی ما مقاله ای که رفقا دادن

تقی شهرام: پس ببینم تو اون بطور مشخص جبهه منتفی نشده بود؟

حمید اشرف: نه. نوشته شده بود که

تقی شهرام: ولی میدونی من چی میخوام بگم

حمید اشرف: تعارفات جبهه ای شده بود که ما متحدین خط یکدیگر هستیم

تقی شهرام: باشه، ولی بین یک چیزی، شما باید باز هم پیگیری میکردین

حمید اشرف: آخه زمینه دیگه نبود چرا که

تقی شهرام: یعنی ممکنه واقعاً ملاحظات

حمید اشرف: عملاً می دیدیم که رفقا به آیت اله شریعتمدار و اینا بیشتر امیدواری دارن

تقی شهرام: نه

حمید اشرف: تا به اصطلاح

تقی شهرام: نه ببینین

تقی شهرام: این دیگه نبود رفیق

حمید اشرف: حالا بذار بگم. میگم من به فاکت دارم. اینها همه فاکته که میخوام بگم اینها سنده، نوشته است، حافظه و اینا نیست. و در این رابطه بود که خب ما دیدیم که خوب دیگه حرفی نیست. یعنی اون پاسخ که به

جبهه داده شده به مسئله پیشتاز و پیشتاز، و پیشتاز و توده. و مسئله مهمتر از همه اعاده حیثیت که مارکسیستها حتماً باید از خودشون بکنن

تقی شهرام: از چه نظر؟

حمید اشرف: از نظر توده ها

تقی شهرام: که مثلاً بیان چه کار کنن؟ آخه به توده ها بگن چی؟ مگر چه هتک حیثیتی کردن

حمید اشرف: هتک حیثیت شون این بود که مارکسیستها ظاهراً به اصطلاح به اعتقادات و احترامات مذهبی توده ها

تقی شهرام: بها نمیدن

حمید اشرف: بی احترامی کردن در گذشته و حالا

تقی شهرام: یعنی واقعاً تو اون نوشته هستش؟

حمید اشرف: آره. اصلاً اعاده حیثیت، کلمه اعاده حیثیت مارکسیستها. که مارکسیستها باید از خودشون اعاده حیثیت به عمل بیارند

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و در این رابطه است که ما میتوانیم این مارکسیستها را هم در این وسط که هستیم یک جایی بهشون بدیم که توده ها بتونن این را هضم بکنن

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: و اگر این کار نشه به اصطلاح دیگه همیشه

تقی شهرام: کار

حمید اشرف: یعنی کار دست ما نیست قضیه خلاصه، اگه اعاده حیثیت هم نشه خب طبیعیه که ما، اشاراتی به ما که شما چرا از کمونیسم اسم می برین چرا نمیدونم از مارکسیسم اسم می برین، شما بیاید تو جزوه هاتون از فلسفه علمی نام ببرین و

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و خوب اینها جریاناتی بود که به نظر ما

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: جنبش کمونیستی رو تضعیف میکرد

تقی شهرام: بله کاملاً

حمید اشرف: و طبیعتاً ما حتی در همون موقع هم که اون مطلب نوشته شد که جنبش پیشتاز با پیشتاز و پیشتاز با توده.

تقی شهرام: آها

حمید اشرف: در همون موقع هم که رفقا قویاً می گفتن که اسم کمونیست تکفیر، کفره و ننگید و ایران مذهبی و غرب آلّه ست و یله ست، ما در همون موقعش هم از همون اول کار هم

تقی شهرام: بله



حمید اشرف: تو اعلامیه مون صریحاً می گفتیم که ما کمونیستیم، رهرو راه طبقه کارگریم، هدف ما این هستش، حتی اعلامیه ای بود که رفقا کمک کرده بودند عکسهای اسکندر رو با اون دستگاه فتو ترانسفرشون تکثیر کرده بودن که ما بریده بودیم دورش راجسباندن بودیم روی اعلامیه هامون

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: از همین موضع با مسئله برخورد کرده بودیم

تقی شهرام: خب اینا حرف شما کاملاً درست

حمید اشرف: و

تقی شهرام: موضع درست که نباید در جنبش کمونیستی تضعیف میشد

حمید اشرف: بعدها

تقی شهرام: اما این قسمت قضیه که باید بهر حال شما، اینهم به یک وسیله ای زیر مهمیز خودتون درمی آوردید به یه وسیله ای

حمید اشرف: کدوم رو؟

تقی شهرام: همین جریان خرده بورژوازی رو به یه وسیله ای بهر حال

حمید اشرف: والا جریان خرده بورژوازی

تقی شهرام: یعنی بهر حال در یک روابطی اون رو وارد باش وارد در یک مناسبات نزدیکتری میشدی بهر جور، اون طور نه، یه جور دیگه، یعنی ما وسایل رو ازمون نگرفتن. شما به اندازه کافی در واقع به دلیل همین نقطه نظر مارکسیستی، یعنی واقعاً مارکسیستها این نقطه چی میگن بهش این امکان رو دارن که می تونن دست شون باز باشه برای برخورد. میدونید یعنی مثل مذهبی ها در به کالبدهای خیلی محدودی محصور نیستن، چون مذهبی ها مجبورن یه چیز به این ننگ به اون به قول معروف اصابت نکنه، یه چیز ننگ از اون ور به قول معروف قضیه خراب نشه، خیلی دچار تناقض هستن ام. اما مارکسیستها خب روشنه اصولشون معلومه از نظر اصولی از نظر خط و شیوه شون هم به اندازه کافی انعطاف و به اصطلاح زمینه و بعد داره برای کار. حالا منظور من این بودش که شما اگر میدیدی به چنین جریانی، آیا باید میکشیدید خودتونو کنار! یعنی اصلاً به موضع منفعل میگرفتین

حمید اشرف: نه ما خودمونو کنار نکشیدیم

تقی شهرام: خب

حمید اشرف: ما باز هم همون پیشنهادهای خودمون رو طرح میکردیم با رفقا، رو مسئله جبهه پافشاری میکردیم، چیز بازمسئله نشریه مشترک را و نشریات دیگه ای

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: را هم مطرح میشد و اینجا رفقا (نامفهوم...) کار یک مقدار

تقی شهرام: ولی مثل اینکه نشریه مشترک، مثل اینکه خود تان به جمعاً رسیده بودین که امکان پذیر نیست مگر اینکه هر کس، آخه میدونین نشریه مشترک اینطوری بودش گویا، مصطفی اینها مطرح کرده بودن که نشریه باشه مثلاً احتمالاً مسئله سردبیری

حمید اشرف: نه

تقی شهرام: و نمیدونم هیئت تحریریه این جریانات داشت

حمید اشرف: نه نه، به اینجاش اصلاً نرسید

تقی شهرام: بابا مثل اینکه این طورها بوده

حمید اشرف: یعنی صحبت اصلاً به هیئت تحریره و

تقی شهرام: قرار بود هیئت تحریره ش یکی ش مثلاً خود مصطفی باشه مگه نه؟ اینطور که من میدونم

حمید اشرف: نه اصلاً صحبت هیئت تحریره نشد چون کار به پذیرش اش نرسید که هیئت تحریره عدم توافق باشه، یعنی اصلاً نفی شد نشریه مشترک

تقی شهرام: ها، رسیدیم به اینکه اول باید هر گروهی و سازمانی برای خودش نشریه داخلی به وجود بیاره و بعد در رابطه با وحدت اینها یک

چریکهای فدائی خلق ایران